

شناسایی و اولویت بندی مولفه های موثر زمینه گرایی کالبدی با استفاده از مدل HDI؛ زمینه مورد مطالعه: محله مسجد، دزفول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

کد مقاله: ۴۷۵۶۷

افسانه دامنی گل^{*}، دکتر سید نادر پور موسوی^۲

چکیده

می بینیم، درک می کنیم، تاثیر می پذیریم و تاثیر می گذاریم. دیدن یکی از رفتارهای انسانی است که بخش مهمی از زندگی و ادراکات او را در بر می گیرد. حال اگر آنچه که می بینیم، مجموعه ای باشد که اجزای آن کمترین هماهنگی را با یکدیگر و با زمینه دارند، توسط این مجموعه ناهماهنگ، دچار سردرگمی و آسیب های روحی و روانی می گردیم. امروزه نما به عنوان تاثیرگذارترین عنصر کالبدی شهرهایمان به مجموعه ی ناهماهنگی بدل شده است که مهمترین دلیل آن، قرارگیری نماهای نامتجانس و ناهماهنگ در کنار یکدیگر (مقیاس کلان) و عدم هماهنگی در بین مولفه های اصلی سازنده یک نما (مقیاس خرد) است. بنابراین هدف این پژوهش ارائه روشی برای شناسایی و اولویت بندی مولفه های موثر زمینه کالبدی جهت کاهش ناهمگونی نماها می باشد. در همین راستا با استفاده از رویکرد زمینه گرایی و بررسی مطالعات نظری پیشین، مولفه های زمینه کالبدی شناسایی و با بررسی و تحلیل آن ها در زمینه مورد بررسی، به یک مجموعه اولویت بندی شده از این مولفه ها دست یافتیم. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برای مبانی نظری از مطالعات کتابخانه ای و برای انتخاب و اولویت بندی مولفه های کالبدی موثر نمونه موردی از دو روش، تهیه جدول توزین طراحی و پرسشنامه استفاده شده است و نتایج هر دو روش با استفاده از نرم افزار Excel تحت مدل HDI و احتساب میانگین امتیازات، تحلیل شده اند.

واژگان کلیدی: جداره شهری، نما، زمینه گرایی، زمینه کالبدی، HDI

۱- کارشناس شهرسازی شهرداری زاهدان (نویسنده مسئول) afsanedamanigol@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول

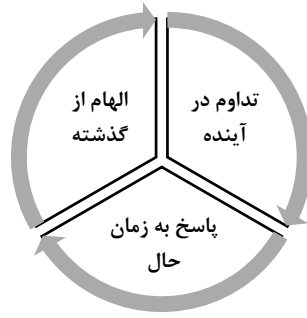
جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مجموعه‌ی بهم پیوسته‌ای است که بین همه‌ی اجزا آن رابطه‌ی دو طرفه‌ای وجود دارد. بگونه‌ای که تغییر در هر جز بر دیگری تاثیر می‌گذارد. از این رو هر پدیده بر محیط پیرامون خود تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد و بدین صورت این دو با یکدیگر در تعامل هستند (احمدی ۱۳۸۸، ۳۹). بنابراین هرگونه تغییر در جهت ساخت پدیده‌ای جدید می‌بایستی در راستای نیروهای پیرامون خود صورت گیرد. نما به عنوان مهمترین جز از زمینه کالبدی شهرها نیز بایستی هماهنگ و همساز با زمینه پیرامون خود طراحی گردند تا بدین صورت از میزان اغتشاشات بصری ناشی از ساخت نماهای ناهمگون و ناسازگار با یکدیگر و با زمینه بکاهیم. این در حالی است که اگرچه تا قبل از قرن بیست و یکم، ساختمان‌های دوره‌های مختلف به دلیل شکل‌گیری تدریجی، در روش‌های ساخت، مصالح و مقیاس در طول قرن‌ها با یکدیگر سازگار باقی می‌ماندند، اما با آغاز قرن بیست و یکم و پیشرفت تکنولوژی چالش بزرگی شکل گرفت. هرچه که از این پس ساخته می‌شد با گذشته تفاوت عظیمی داشت، از جمله ساختمان‌ها و بناهای جدید. دوگانگی و تعارض شکل گرفته بین بافت قدیم و جدید به شدت نمایان گشت و میراث بر جای مانده از سالیان گذشته با استفاده از بناهایی که هیچ شباهتی به آن‌ها نداشتند، احاطه گشتند و در نتیجه هویت ملی و محلی شهرها دچار انحطاط گردید. امروزه نیز در بیشتر شهرهای ایرانی بر اثر اقدامات شهرسازی مدرن همچون خیابان‌کشی‌های معاصر، طرح‌های توسعه شهری، تغییر نوع نیاز شهروندان، گسترش بی‌رویه شهرها و عدم مدیریت صحیح، بافت‌های قدیمی و با ارزش شهرهای ما در آستانه حذف شدن از زمینه و سیمای شهرها قرار گرفته‌اند و شاهد افزایش بناهایی که کمترین قرابت معنایی-کالبدی را با زمینه موجود دارند، هستیم. محله مسجد شهر دزفول نیز از این معطل مستثنی نبوده و تحت تاثیر طرح توسعه‌ی کالبدی-اجتماعی-اقتصادی شهرداری با نام طرح قائم و همچنین ساخت بناهای شخصی بدون توجه به زمینه، انسجام و یکپارچگی کالبدی خود را از دست داده است. همین امر سبب شکل‌گیری افتراق معنایی-کالبدی و در نتیجه افزایش مهاجرت از این محله شده است. بنابراین هدف از این پژوهش در وهله اول شناسایی مولفه‌های موثر زمینه کالبدی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است و در وهله دوم، اولویت‌یابی مولفه‌های بدست آمده می‌باشد.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- زمینه‌گرایی (Contextualism)

زمینه‌گرایی از واژه لاتین context^۱ به معنای زمینه گرفته شده است و به معنای بستر و محیطی می‌باشد که معماری در آن شکل می‌گیرد. در شهرسازی زمینه، محیط و مجموعه پیرامونی یک عنصر می‌باشد و زمینه‌گرایی به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج شهرسازی بر این اصل استوار است که مجموعه یا بنا، از بستری که در آن قرار دارد، جدا نمی‌باشد، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته است (صادقی ۱۳۹۵، ۴۵). این دیدگاه در سال ۱۹۷۱ توسط توماس شوماخر در مقاله‌ی «زمینه‌گرایی: آرمان‌های شهری و دگرذیسی‌ها» مطرح گردید (نسبیت ۱۳۸۷: ۷۸) و به عنوان رویکردی که در عین توجه به بافت موجود در گذشته، نیازهای زمان حال و آینده را نیز در طراحی مورد استفاده قرار می‌دهد، مطرح گشت. ریچارد هدمن از پیشگامان طراحی زمینه‌گرا، اهمیت و لزوم توجه به زمینه را این‌گونه بیان می‌کند: «طراحی با توجه به زمینه بدین معنی است که بین ساختمان‌های موجود و طرح پیشنهادی ارتباطات بصری کافی بوجود آید، بطوریکه نتیجه حاصل، مجموعه‌ای منسجم باشد. ساختمان‌های جدید می‌بایستی ویژگی‌های محیط و زمین خود را تقویت کرده و بهبود بخشند و یا حداقل الگوهای وحدت بخش مهم را حفظ کنند» (هدمن و یازوسکی ۱۹۸۵، ۱۵). رویکرد زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های شهرسازی است که زمینه را رویدادی تاریخی می‌پندارد که عناصر شهری در درون آن ساخته و شناخته می‌شوند (تولایی ۱۳۸۶، ۱۲۶). اصل اساسی در این رویکرد، رعایت تداوم و ارتباط در تمامی طول زمان است. زمینه‌گرایی هرگونه نفی گذشته را رد کرده و خواهان برقراری پیوند در بین زمان‌های گذشته، حال و آینده است (احمدی ۱۳۸۹، ۳۹). از این رو چارچوب اصلی زمینه‌گرایی بر الهام از گذشته، پاسخ به زمان حال و تداوم در آینده متکی است.

۱ به دلیل درهم تنیدگی و پیوستگی محلات بافت تاریخی که محله مسجد نیز جزئی از آن است. غالب محلات (از جمله محله مسجد و محلات مجاور) دارای شباهت‌های کالبدی می‌باشند.
۱ واژه Context از واژه لاتین Contextere به معنای «بافتن، پیوند دادن و پیوستن به یکدیگر» آمده است. این تعریف از زمینه، ریشه در زبان شناسی دارد.

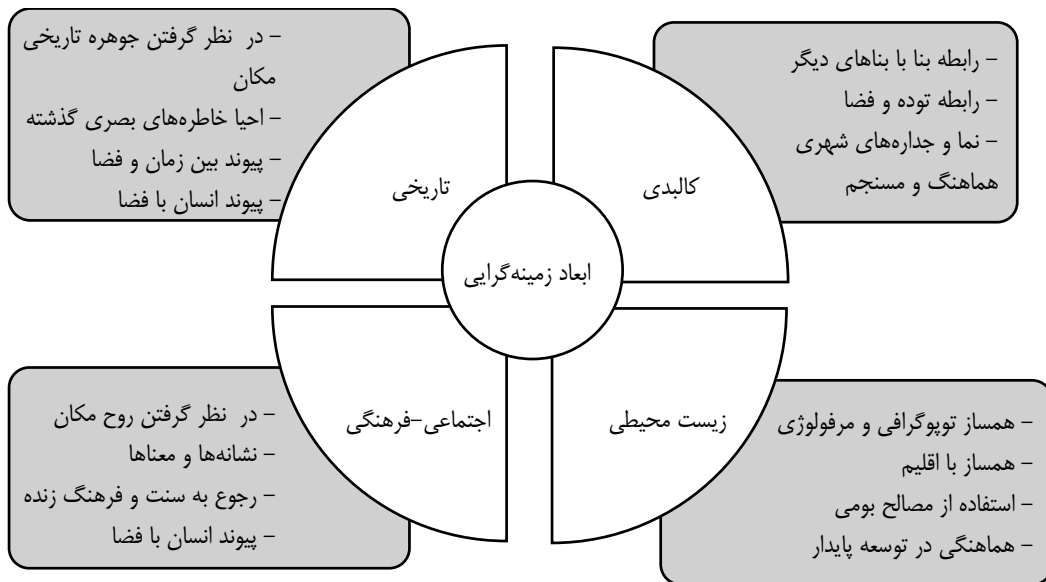


نمودار ۱. اصول چارچوب زمینه‌گرایی، احمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۹

۲-۱-۱- ابعاد زمینه‌گرایی

زمینه‌گرایی در روند شکل‌گیری خود در آغاز بیشتر بر جنبه‌های کالبدی تاکید داشت و تلاش‌های رو و همکارانش تأییدی بر اهمیت این جنبه بود (بحرینی ۱۳۸۸، ۲۷۳). اما این رویکرد به مرور زمان و در سیر تکاملی خود جنبه‌های انسان‌گرایانه را نیز با پژوهش‌های افرادی چون راجر ترانسیک، نوربرگ شولتز و آموس راپاپورت به خود اضافه کرد و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی-فرهنگی گسترش داد (زالی ۱۳۹۴، ۱۴). تولایی سه بعد را برای زمینه‌گرایی نام می‌برد که عبارتند از: ۱) زمینه‌گرایی کالبدی؛ شکل کل از قبل موجود ۲) زمینه‌گرایی تاریخی: نظم و رابطه اجزای شهر در طول زمان ۳) اجتماعی-فرهنگی؛ معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک شهرها را در کالبد خود متشکل از این سه بعد می‌داند (تولایی ۱۳۸۰، ۳۴). این درحالی است که شهر دارای بعد چهارمی نیز می‌باشد که متاسفانه به آن کمتر توجه می‌شود و آن، بعد زیست محیطی شهر می‌باشد و لازم و ضروری است که حین ساخت بناهای جدید به وضعیت زیست محیطی منطقه طراحی نیز توجه نمود. بنابراین بعد زیست محیطی نیز به عنوان بعد چهارم زمینه‌گرایی در این پژوهش مطرح می‌گردد.

جدول ۱. گزیده‌ای از نکات و اصول ابعاد زمینه‌گرایی از دید تولایی، ۱۳۸۰. تابان و چیت‌ساز، ۲۰۱۵. زالی، ۱۳۹۴.



جدول ۲- نمونه‌های عینی و تحلیلی ابعاد زمینه‌گرایی

نمود عینی مثال	شرح مثال	زمینه‌گرایی
 <p>شکل ۱، زمینه‌گرایی کالبدی، ماخذ: Url1</p>	<p>مدرسه‌ی Meiti بنگلادش، برنده ی جایزه‌ی آقاخان در سال ۲۰۰۷ شد. این بنا با استفاده از مصالح و تکنولوژی ساخت بومی، در جهت معماری پایدار گام برداشته است. ترکیب دانش بومی با مهارت‌های ساختمانی جدید باعث شده است که در عین حفظ هویت سنتی، بنا دارای ویژگی‌های مثبت مدرنیته، هم در فرم و هم در عملکرد باشد. البته این مدرسه را می‌توان یک نمونه موفق نه تنها در زمینه بعد کالبدی دانست. بلکه به دلیل توجه به خصوصیات فرهنگی مردم، مسائل اقتصادی و مصالح بومی، نمونه‌ای از زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی نیز دانست. منبع: Url1</p>	<p>کالبدی</p>
 <p>شکل ۲، زمینه‌گرایی تاریخی، ماخذ: Url2</p>	<p>احیاء و نوسازی جزیره نیولند در شهر سن پترزبورگ؛ این جزیره که در قرن ۱۸ به دستور پتر کبیر ساخته شده و زمانی مورد استفاده ارتش نیروی دریایی روسیه بوده، اکنون توسط گروه وست ایت (West8) و با هدف احیاء جایگاه این جزیره در شهر بازسازی شده است و طرح توسعه و بازسازی آن همچنان ادامه دارد. از عوامل تاثیر گذار در این پروژه، بازسازی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی این جزیره می‌باشد. شکل بالا موقعیت قرارگیری جزیره را نشان می‌دهد و در شکل پایین، پروژه بازسازی پیشنهادی نشان داده شده است. منبع: (Url2)</p>	<p>تاریخی</p>
 <p>شکل ۳، زمینه‌گرایی زیست محیطی ماخذ: Url3</p>	<p>خانه فالینگ‌واتر یا آبشار اثر فرانک لوید رایت، یکی از معروف‌ترین آثار معماری همساز و هماهنگ با طبیعت است. واگنر در رابطه با این خانه گفته است که خانه آبشار رابطه‌ی بسیار نزدیکی با محیط اطرافش دارد و در بیننده این حس را به وجود می‌آورد که دیوارها و سایر بخش‌های بنا از دل طبیعت به بیرون زده و رشد کرده‌اند. (منبع: Url3)</p>	<p>زیست محیطی</p>
 <p>شکل ۴، زمینه‌گرایی اجتماعی - فرهنگی ماخذ: مومنی و دیگران، ۱۳۹۷، ۸۶</p>	<p>شکل بالا: از نمونه‌های معماری که بر گرفته از فرهنگ، جهان بینی و ارزش‌های جامعه می‌باشد می‌توان به چهار صقه یا چهار ایوان که بر مبنای تقسیم چهار بخشی جهان در کیهان شناسی سنتی و تصورات کهنی که زمین را به چهار تاقی تشبیه کرده است، اشاره کرد (منبع: جودکی عزیززی ۱۳۹۳، ۶۴).</p> <p>شکل پایین: آستانه کوتاه برخی درهای ورودی در بناهای شهر دزفول، که این کوتاه بودن سبب خم شدن افراد می‌گردد. خم شدن در فرهنگ ایرانی به معنای ادای احترام می‌باشد. همچنین دید فرد بیرونی محدود گشته و محرمیت دورن حفظ می‌گردد(منبع: مومنی و دیگران ۱۳۹۷، ۸۶).</p>	<p>اجتماعی - فرهنگی</p>

به دلیل تاکید پژوهش به بعد کالبدی در ادامه به این بعد بصورت تفصیلی می پردازیم.

۲-۱-۱-۱-۱-۱ زمین‌گرایی کالبدی

منظور از زمین‌گرایی کالبدی، برقراری پیوند بین کالدهای موجود در زمینه می‌باشد. به عبارتی دیگر هدف برقراری تداوم و پیوستگی بین کالدهای موجود در زمینه در زمان‌های مختلف است. زمین‌گرایان کالبدی در تکمیل عناصر رویکرد خود، رابطه بناها و فضاها را با هم در نظر می‌گیرند (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۱). آنان توده و فضا را در سطح طراحی، قابل تبدیل به یکدیگر می‌دانند، به این معنی که شکل معماری، فضاهای شهری را بهم پیوند می‌دهد و فضاهای هم‌شکل و هم‌زمینه برای توده‌ها مناسب هستند. بدین منظور چند پیشنهاد ارائه شده است: ۱- به طور کامل از نقش‌مایه‌های موجود تقلید شود. ۲- شکل‌های اصلی مشابه هم را در نظر گیرند و آرایش آن‌ها را تجدید کنند. ۳- شکل‌های جدید بسازند که مشابه تاثیر بصری بنای قدیمی باشد (Tugnutt 1987, 121) که تبعیت از هر کدام از پیشنهادات، تابع شناخت عناصر پایه سازنده کالبد، نظر طراح و درک میزان ارزش کالبدی زمینه می‌باشد.

۲-۲-۱-۲-۲-۲ عنصر پایه سازنده کالبد- نما

جهت برقراری زمین‌گرایی در کالبد بایستی در ابتدا مشخص گردد که کالبد شهرها شامل چه عناصری می‌باشد. همانطور که نقشه‌های نولی به ما نشان می‌دهند، شهرها در کلیت خود چیزی جز مجموعه‌ای از توده‌ها و فضاها نیستند که در ترکیب با یکدیگر شهرها را به وجود آورده‌اند. بنابراین اگر از جزئیات مفصل کالبدی که در طول زمان و در جهت افزایش آسایش و راحتی شهروندان به شهرها الحاق گردیده‌اند، چشم‌پوشی کنیم، متوجه می‌شویم که شهرها در کالبد خود مجموعه‌ای از توده‌های شهری هستند که اگر آن‌ها را در یک سلسله مراتب کالبدی دسته‌بندی کنیم، در نهایت به کوچکترین توده شهر که یک بنا است می‌رسیم. به عبارتی دیگر می‌توان اینگونه بیان کرد که تک بناهای زیادی در کنار یکدیگر قرار گرفتند و در نتیجه مجموعه‌های زیستی بزرگ ما به نام شهرها را به وجود آوردند.



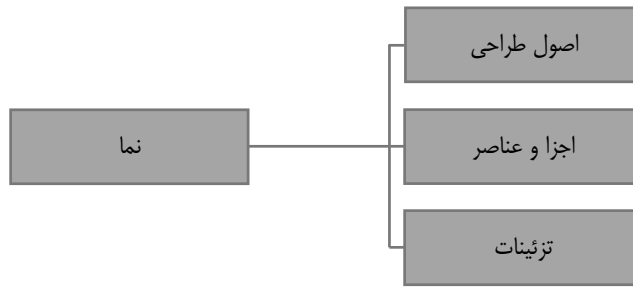
شکل ۵. سلسله مراتب کالبدی توده‌های شهری

منظر بصری هر بنا نمای آن بنا است و از آنجایی که نما یکی از موثرترین عناصر تاثیرگذار بر کیفیت بصری و زیبایی بنا و در نتیجه کیفیت فضاهای شهری است، در میان دیگر عناصر منظر شهری، تاثیرپذیرترین عنصر از تصمیمات طراحان شهری می‌باشد (پورجعفر و علوی با المعنی، ۱۳۹۱) در نتیجه نما به عنوان یکی از مهمترین عناصر کالبدی بناها در جهت رعایت رویکرد زمین‌گرایی مطرح می‌گردند. گوردون کالن نما را اولین بخش از بنا معرفی می‌کند که با گذر از معابر و برخورد با ساختمان‌ها به چشم می‌آید و شکل غالب شهر را تشکیل می‌دهد (Alishah, Ebrahimi and Ghaffari, 2016, 1347)، یا در تعریفی دیگر که پاکزاد بیان می‌دارد، نما حد فاصل درون و بیرون بناست و به عنوان عنصر سه بعدی، محل تلاقی ویژگی‌ها و جنبه‌های خصوصی، معماری بنا و جنبه‌های عمومی و شهری است (پاکزاد ۱۳۸۲، ۵۴).

۲-۲-۱-۲-۲-۲ مولفه‌های اصلی سازنده نما

فهم معنا و هدف یک عبارت شکلی، بستگی زیادی به نوع ترکیب‌بندی و نحوه قرار گرفتن اجزا سازنده آن شکل دارد. کسی که می‌خواهد از راه شکل با دیگران ارتباط برقرار کند، بایستی توانایی کاملی بر همین موضوع داشته باشد. زیرا تمامی آنچه که او می‌خواهد بیان کند، در یک شکل بصری در مقابل مشاهده‌کننده قرار می‌گیرد و مشاهده‌گر با تحلیل عناصر سازنده شکل و نحوه قرارگیری آن‌ها، سعی می‌کند تا به مضمون مورد نظر طراح برسد (دانیس ۱۹۷۴، ۴۵). هر اثر هنری از دو قسمت کلی عناصر اصلی و اصول طراحی تشکیل می‌شود. عناصر اصلی به اجزای تشکیل‌دهنده اثر گفته می‌شود. در حالی که اصول، قوانین طراحی هر اثر می‌باشد. بنابراین نما نیز به عنوان یک عبارت شکلی، از دو مولفه عناصر اصلی و اصول طراحی تشکیل شده است. البته مولفه

سومی هم وجود دارد که برای نماهای مختلف در مکان‌های مختلف می‌تواند اشکال مختلفی را در برگیرد. این مولفه تزئینات نما است. در ادامه به بررسی این مولفه‌ها و تشریح آن‌ها می‌پردازیم.



نمودار ۲. مولفه‌های اصلی سازنده نما، منبع: نگارنده

۲-۲-۲- اصول و قواعد طراحی و ترکیب‌بندی نما

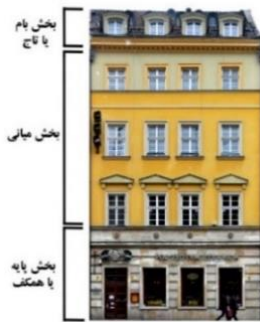
مهمترین اقدام در یک طراحی بصری، ترکیب‌بندی و کمپوزیسیون^۱ آن است. نما نیز به عنوان یک پدیده بصری دارای اصول ترکیب‌بندی می‌باشد که اجزا و عناصر سازنده نما را در حالات مختلف در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. یکی از مهمترین ضعف‌های نماهای امروزی فقدان اصول ترکیب‌بندی مناسب و تعریف شده برای اجزا سازنده نماها می‌باشد. از جمله مهمترین اصول طراحی که غالباً در نماها مورد استفاده قرار گرفته است و بزرگانی همچون ماتین، کریر، توسلی، ویترویوس، بنتلی و بوکانان در نظرات و دیدگاه‌های خود به بیان آن‌ها پرداخته‌اند، بصورت دسته‌بندی زیر ارائه می‌شوند.



نمودار ۳. اصول و قواعد طراحی و ترکیب بندی نما، منبع: نگارنده

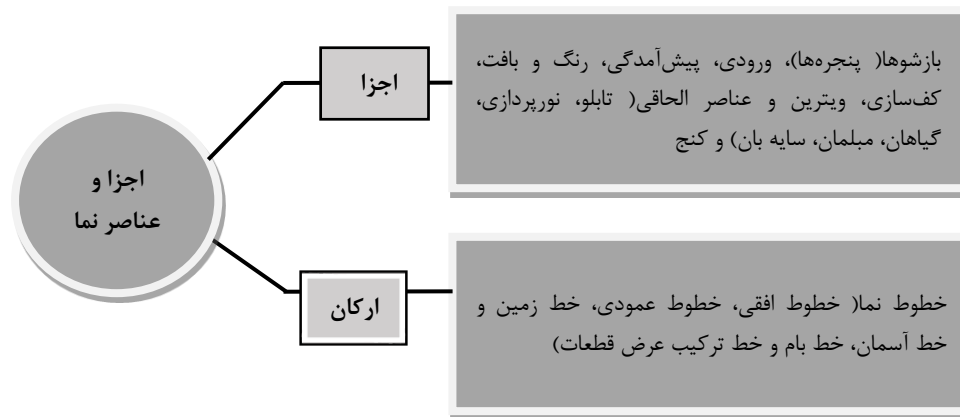
۳-۲-۲- اجزا و عناصر سازنده نما

نما همواره تحت تاثیر ویژگی‌های اقلیمی، دیدگاه‌ها و سنت‌های بومی و اصول طراحی مدنظر طراح یا معمار در هر مکان زیستی، از اجزا و عناصر مختلفی تشکیل شده است. بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان و متخصصان شهری دسته‌بندی‌های زیادی برای این اجزا و اصول ترکیب‌بندی آن‌ها وجود دارد. ماتین و راب کریر در هنگام دسته‌بندی عناصر نما تمرکزشان را بر لایه‌بندی افقی نما می‌گذارند که شامل سه بخش پایه یا طبقه همکف، بخش میانی یا طبقات اصلی و بام است (Moughtin and et al 1999, 25). راب کریر چنین بیان می‌کند که عناصر نما شامل پنجره‌ها، درهای بازشو (ورودی اصلی)، بام، پیش‌آمدگی‌ها (بالکن و پنجره‌های پیش‌آمده) و تزئینات است و ترکیبات نما شامل تناسبات، تقسیم بندی‌های عمودی و افقی، مصالح و رنگ می‌باشد (Krier, 1983, 61). یان بنتلی و همکارانش عناصر تشکیل‌دهنده نما را به این صورت تقسیم بندی می‌کنند: ۱- وزن‌های عمودی ۲- وزن‌های افقی ۳- خطوط بام ۴- جزئیات دیوار (مصالح، رنگ، الگو و غیره) ۵- پنجره‌ها ۶- درها ۷- اجزا و عناصر طبقه همکف (بنتلی ۱۹۹۹، ص ۲۴۲-۲۴۱). دسته‌بندی توسلی به دلیل جداسازی ارکان و اجزا دسته‌بندی مطلوب‌تری محسوب می‌گردد و پژوهشگر از این دسته‌بندی و جمع بندی نظریات ذکر شده در بالا استفاده می‌کند و مجموعه اجزا و عناصر را بصورت زیر دسته‌بندی می‌کند.



شکل ۶- دسته بندی عناصر نما (ماخذ: Moughtin and et al (1999, 25)

۱- ترکیب‌بندی یا کمپوزیسیون (به فرانسوی: Composition) در هنرهای گوناگون به معنای تنظیم جایگاه اجزای یک اثر است که هنرمند برای ایجاد وحدت و تناسب بین بخش‌های مختلف اثر خود به کار می‌برد.



نمودار ۴. دسته‌بندی اجزا و عناصر سازنده نما (ماخذ: نگارنده)

جدول ۳- جدول توزین مولفه‌های اصلی سازنده نما به‌همراه شاخص‌های مورد سنجش مطلوبیت هر متغیر (ماخذ: طباطبایی، ۱۳۹۰. نوپرفت، ۲۰۱۴. بافت تاریخی شهر دزفول، یزد و اصفهان به عنوان نمونه‌های قوی معماری ایرانی-اسلامی، پاکزاد ۱۳۹۰. ماتین، ۱۹۹۹. گابدلاین لس آنجلس، ۲۰۰۲. ضوابط میراث دزفول، کسمایی، ۱۳۸۲)

متغیرهای نما	شاخص مورد سنجش
تقارن و تعادل	چیدمان اجزا و عناصر حول یک محور پیش فرض بصورت انعکاسی، چرخشی و یا انتقالی
تناسبات انسانی	- تقسیم‌بندی در نمای ساختمان و جزئیات آن بالاخص در طبقات همکف تا سوم، از لحاظ اندازه و مقیاس به تناسبات انسانی نزدیک باشد. - تقسیمات بنا هماهنگ با تقسیمات بنا مجاور - قطعات کوتاه‌تر، انسانی‌تر و مورد پسندتر باشد.
ریتم	تکرار قوی، منظم و پیوسته عناصر و اجزای تشکیل دهنده نما
مقیاس انسانی	اگر میانگین قد انسان را ۱٫۶ در نظر بگیریم. بنابراین بناهای یک و دو طبقه (حداکثر ارتفاع ۸ متر) دارای ارتفاع مناسبی برای انسان می‌باشد.
تداوم و پیوستگی	- امتداد و هم‌راستایی خطوط افقی و عمودی نماها - استفاده از مصالح بومی یکسان - رنگ‌ها در یک طیف باشند. - عناصر یا الگوواره‌ها به یک دوره زمانی و مکانی مربوط باشد و یا گذر زمان را بتوان در آن‌ها مشاهده کرد. - بگونه‌ای که فرد با قرارگیری در محیط حس کند که در یک فضا قرار گرفته است، نه چندین فضا با ویژگی‌های متفاوت.
خطوط افقی و عمودی نما	- هم‌راستایی خطوط افقی و عمودی نما از طریق امتداد دادن خطوط قاب پنجره، ورودی، جرزها، ستون‌های افقی و عمودی نما، خط بام و خط زمین در نمای یک بنا و نماهای مجاور - پیروی خطوط افقی و عمودی موجود در نما از اصول طراحی شهری - بهره‌گیری از اصل تکرار در جرزهای عمودی سبب تقویت خطوط عمودی می‌گردد.
خط آسمان و خط زمین	- ایجاد تنوع و ریتم در خط آسمان از طریق افزایش و کاهش پلکانی ارتفاع - حداکثر افزایش ارتفاع در خط آسمان: یک طبقه (احتساب میانگین ارتفاعی هر طبقه برابر ۳ متر) و حداقل کاهش ارتفاع تا: ۵۰ سانتی‌متر - هماهنگی فرم سقف ساختمان (طراحی فرم سقف متناسب با شرایط اقلیمی منطقه و هویت معماری بومی). - خط زمین به‌عنوان پیوند دهنده بناها بایستی بصورت هماهنگ و منسجم رعایت گردد.
ورودی	- شاخص بودن ورودی اصلی از طریق طراحی آن - در معرض دید بودن (دسترسی فیزیکی و عدم قرارگیری موانع در مقابل آن) - در دسترس بودن (دسترسی فیزیکی و قرارگیری مستقیم در مسیر پیاده) - متناسب با شرایط اقلیمی (قرارگیری در سرپناه جهت حفاظت در برابر آفتاب و باران) - دارای ابعاد متناسب جهت عبور (استاندارد درب یک لنگه: ۱۱۵ و درب دو لنگه ۱۴۰ تا ۲۲۵ سانتی‌متر) - هماهنگی ورودی با سایر اجزا و خطوط افقی و عمودی - در صورت نیاز حداقل اندازه مورد نیاز برای عقب رفتگی: ۱ متر
پنجره	- هماهنگی ابعاد و اندازه پنجره‌ها با یکدیگر - هماهنگی خطوط پنجره با خطوط دیگر نما - بهره‌گیری از اصول طراحی و ترکیب‌بندی نما - استفاده از پنجره‌های کشیده و عمودی در آب و هوای گرم و مرطوب.

متغیرهای نما	شاخص مورد سنجش
	<ul style="list-style-type: none"> - عدم استفاده از فرم‌های نامتعارف و هماهنگ با سایر گشودگی‌ها
رنگ	<ul style="list-style-type: none"> - هماهنگی رنگ نماهای موجود در زمینه با یکدیگر - هماهنگی رنگ اجزا سازنده نما با یکدیگر و با کل نما (هماهنگی رنگ در نما) - سازگاری رنگ بنا با شرایط اقلیمی محیط - هماهنگی رنگ بنا با کاربری و نحوه استفاده از فضایی که بنا در آن قرار دارد - استفاده از رنگ طبیعی عناصر - عدم استفاده از رنگ‌های نامتعارف و متنوع و زیاد، حداکثر سه رنگ (و بهره‌گیری از رنگ‌هایی که در یک طیف یا نزدیک بهم قرار دارند).
بافت مصالح	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از مصالح بومی (کاهش اتلاف انرژی و هزینه) - متناسب با شرایط اقلیمی (امکان بازیافت و پاکسازی؛ بافت فاقد آلودگی زیست محیطی باشد) - مقاوم در برابر شرایط جوی و اقلیمی - استفاده از مصالح با خاصیت هدر رفت پایین انرژی - قدرت جذب بالا و بازتاب پایین - پرهیز از تعدد در مصالح (استفاده از مصالح مشابه و حداکثر ۴ نوع)
کف‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از مصالح بومی - راحتی عابران پیاده (حرکت آسان) - جنس مناسب (لغزنده نبودن) - قدرت جذب بالا و جلوگیری از جاری شدن آب بر روی سطح - سطح مسطح (پله پله نبودن سطح پیاده) - شیب کم (حرکت آسان و جلوگیری از اختلاف سطح) - هماهنگی کفپوش و جداره (هماهنگی و انسجام فضا)
سایه اندازی	<ul style="list-style-type: none"> - وجود سایه در مسیر رفت و آمد و نقاط مکث (ورودی) - عدم تعریف سایه‌بان به‌عنوان یک مانع فیزیکی - طراحی سایه‌بان متناسب با فضای شهری واقع در آن (رعایت فرم، سبک و دوره زمانی بناها) - مصالح مناسب (سبک و مقاوم در برابر شرایط جوی و عدم سقوط بر سر شهروندان) - کارایی بالای سایه‌بان (ابعاد مناسب سایه‌بان که سایه کافی به وجود می‌آورد). - تهیه سایه به روش‌های مختلف (سایه‌بان، سایه ناشی از ارتفاع بدنه‌ها، عناصر طبیعی و جهت‌گیری مناسب توده‌ها)
پیش‌آمدگی	<ul style="list-style-type: none"> - اندازه پیش‌آمدگی در گذر با عرض ۱۰ تا ۱۲ متر: ۶۰ سانتی‌متر - گذر با عرض ۱۲ تا ۲۰ متر: ۸۰ سانتی‌متر - گذر با عرض ۲۰ متر به بالا: ۱۲۰ سانتی‌متر - هماهنگی خطوط پیش‌آمدگی با خطوط زمینه - پیش‌آمدگی طبقات فوقانی در بناهای واقع در گذرهای کمتر از ۱۰ متر ممنوع است. - در گذرهای ۶ تا ۱۰ متری شرقی-غربی ایجاد سایه‌بان در بالای پنجره‌ها و درب‌ها حداکثر ۲۰ سانتی‌متر در طبقات فوقانی مجاز می‌باشد. - حداقل ارتفاع پیش‌آمدگی از کف گذر تا زیر اولین سقف بنا به میزان ۴ متر می‌باشد. - پیش‌آمدگی با طول بیش‌تر از ۱۲۰ سانتی‌متر ممنوع و در صورت نیاز به چنین فضایی، بایستی از عقب رفتگی در نما استفاده می‌کنیم.
عقب رفتگی	<ul style="list-style-type: none"> - عقب رفتگی به اندازه ۱۲۰ سانتی‌متر مناسب است. - فضای شکل گرفته از عقب رفتگی جز فضاهای عمومی محسوب می‌گردد و بایستی در طراحی آن از تزئینات معماری و پوشش گیاهی استفاده کرد.
تزئینات معماری	<ul style="list-style-type: none"> - بهره‌گیری از خطوط موجود در زمینه - استفاده از جهان بینی - استفاده از مصالح بومی - تزئینات بیان گر داستان‌ها، روایات و نوع تفکر مردم استفاده کننده از فضا باشد - متناسب با شرایط اقلیمی

۳- نمونه مورد بررسی

۳-۱- علت انتخاب نمونه موردی - محله مسجد شهر دزفول

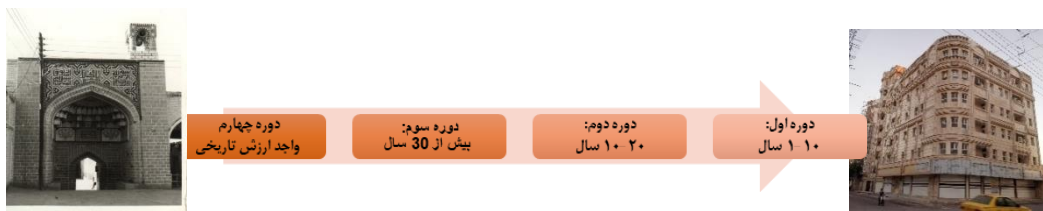
قبل از آغاز شناخت محدوده مورد نظر که محله مسجد شهر دزفول است، به بیان علت انتخاب این محله به عنوان نمونه مورد بررسی این پژوهش می‌پردازیم. محله مسجد واقع در بافت تاریخی شهر دزفول تحت تاثیر عوامل درونی از قبیل: طرح‌های توسعه شهری و عدم رسیدگی سازمان‌های مربوطه و عوامل بیرونی همچون عوامل اقلیمی و جنگ، بناهای قدیمی و تاریخی خود را از دست داده و بناهای جدید جایگزین آن‌ها شده‌اند. همین امر سبب شکل‌گیری دگرگونی کالبدی- معنایی بسزایی در محله شده است. بگونه‌ای که شاهد در هم تنیدن دو بافت تاریخی و جدید بصورتی ناهماهنگ و ناسازگار در کنار یکدیگر هستیم.

۳-۲- مطالعات عمومی محله مسجد

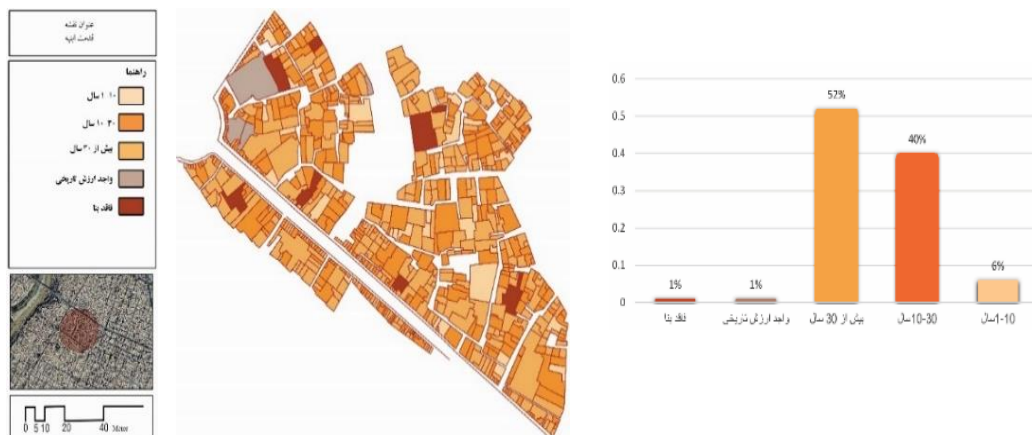
شهر دزفول در دامنه‌های زاگرس میانی جای دارد و پیشینه تاریخی آن به زمان پیش از ساسانیان باز می‌گردد. این شهر به علت دارا بودن مساحت بیش از ۲۰۰ هکتار بافت تاریخی در مجاورت رودخانه دز و ثبت بیش از ۱۶۰ اثر ملی شامل مساجد، حمام‌ها، خانه‌ها و گذرهای تاریخی به یکی از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی کشور بدل گشته است. بگونه‌ای که بافت آجری با معماری اصیل ایرانی و تزئینات زیبا، دزفول را به «موزه آجری ایران» معروف کرده است (مهندسین مشاور چغازنبیل، ۱۳۸۲). محله مسجد یکی از ۲۸ محله واقع در بافت تاریخی شهر دزفول است.

۳-۳- مطالعات زمینه‌گرایی کالبدی محله مسجد

جهت بررسی زمینه محله مسجد به برداشت میدانی قدمت ابنیه این محله پرداختیم. این محله دارای بیش از ۵۰۰ بنای مجزا می‌باشد که بر اساس قدمت به ۴ دوره تقسیم بندی می‌شوند:



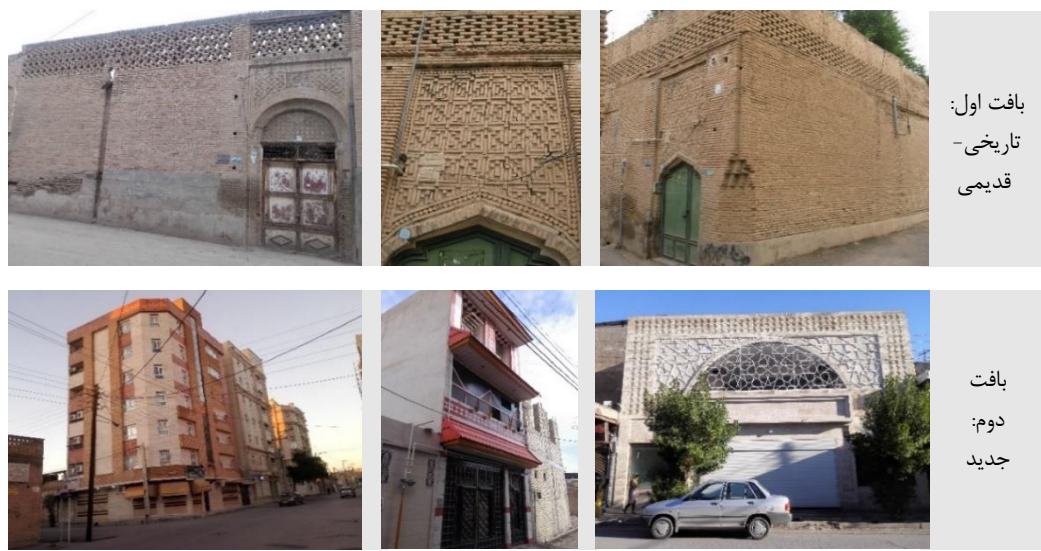
شکل ۷- دسته بندی ادوار زمانی توسعه کالبدی شهر دزفول (ماخذ: نگارنده)



شکل ۸ و نمودار ۵- نقشه و نمودار قدمت ابنیه محله مسجد (منبع: نگارنده)

۴- روش تحقیق و تحلیل

شناسایی و انتخاب زمینه مورد نظر، اولین گام در شناسایی مولفه‌های موثر زمینه کالبدی محله مسجد می‌باشد. زمینه مورد نظر پژوهش حاضر همانطور که بیان شد، شامل دو بافت جدید و تاریخی-قدیمی می‌باشد.



بافت اول:
تاریخی -
قدیمی

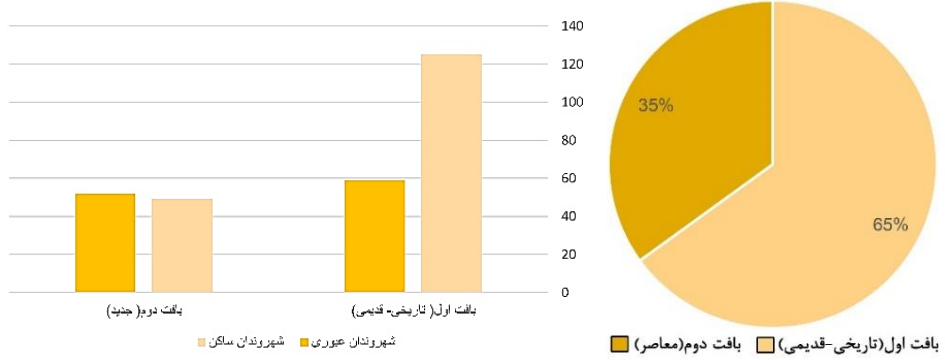
بافت
دوم:
جدید

شکل ۹- تصاویر نماهای بافت تاریخی - قدیمی و جدید (ماخذ: نگارنده)

اینکه کدام بافت بر دیگری ارجحیت می‌یابد یا هر دو به یک اندازه قابل اهمیت و مورد استفاده هستند، اقدامی است که بایستی صورت پذیرد. در مرحله اول پرسشنامه‌ای بین ساکنین محله مسجد و مسافران عبوری از این محله پراگردید. طی این پرسشنامه که شامل تصاویری از بافت تاریخی - قدیمی و بافت جدید می‌باشد، از آن‌ها خواسته شد تا با انتخاب یکی از دو بافت، زمینه غالب و مطلوب محله مسجد (با کدام زمینه محله مسجد را می‌شناسند) را انتخاب کنند که نتایج به صورت زیر بود.

جدول ۴ - نتایج مرحله اول پرسشنامه - ارجحیت بافت از نظر شهروندان ساکن و عبوری محله مسجد، دزفول (ماخذ: نگارنده)

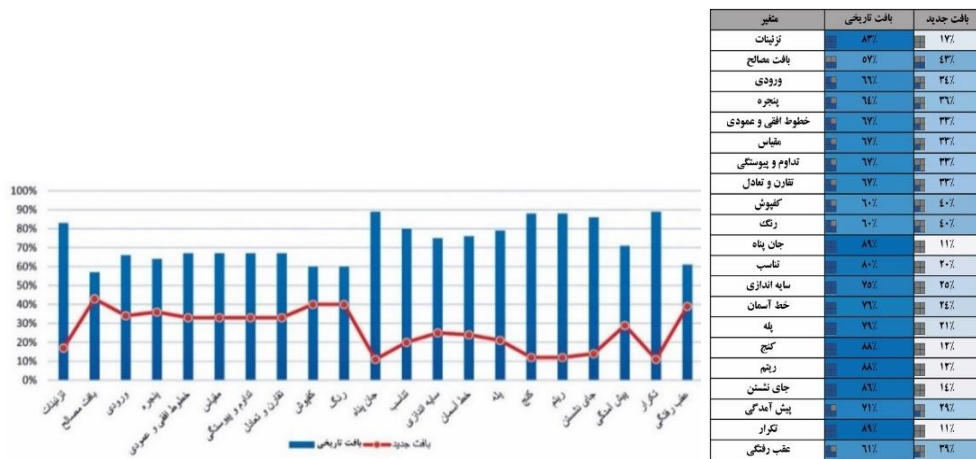
نوع بافت	تعداد انتخاب (نفر)	میانگین (درصد)	شهروندان ساکن	شهروندان عبوری
بافت اول (تاریخی-قدیمی)	۱۸۴	۶۴٫۵۷	۱۲۵	۵۹
بافت دوم (جدید)	۱۰۱	۳۵٫۴۳	۴۹	۵۲
مجموع	۲۸۵	۱۰۰	۱۷۴	۱۱۱



نمودار ۶- سمت راست: نمودار امتیازات داده شده بر اساس نوع استفاده کننده، نمودار سمت چپ: نمودار درصد میانگین بافت منتخب

طبق نمودارهای بدست آمده در بالا نتیجه می‌گیریم که بافت تاریخی و قدیمی، زمینه غالب و مطلوب محله مسجد از نظر شهروندان می‌باشد. از داده‌های بدست آمده از نمودار سمت راست، در می‌یابیم که ساکنین محله مسجد بر زمینه تاریخی و قدیمی محله تاکید دارند که این امر به دو دلیل است. دلیل اول: حرکت در بخش‌های مرکزی محله و استفاده از مسیرهای فرعی درون محله که باعث آشنایی بیشتر ساکنین محله با قسمت‌های تاریخی و قدیمی محله شده است. دلیل دوم: برخورداری از شکل ذهنی باقی‌مانده از گذشته. در حالی که طبق انتخاب شهروندان عبوری از محله، بافت معاصر با ۷ رای بیشتر مورد انتخاب قرار گرفته است که علت این انتخاب بنا بر نظر عابران، استفاده بیشتر عبورکنندگان از خیابان‌های اصلی محله (به دلیل تجمع مراکز تجاری،

درمانی، خدماتی و مذهبی در این خیابان‌ها) می‌باشد که تحت تاثیر مرمت و نوسازی‌های ناهماهنگ با زمینه، دارای بافت جدیدتری نسبت به مرکز محله می‌باشد. پس از آن که بافت تاریخی- قدیمی به عنوان زمینه غالب و مطلوب محله مسجد از دید شهروندان انتخاب گردید. در مرحله دوم بر اساس جدول توزین در بخش مبانی نظری، به مولفه‌های سازنده نما در دو بافت تاریخی و قدیمی و جدید امتیاز داده و سپس با استفاده از محاسبه میانگین امتیازات به مقایسه امتیازات این دو بافت می‌پردازیم که نتیجه بدین صورت است.



جدول ۵ و نمودار ۷- مقایسه متغیرهای طراحی جداره در دو بافت جدید و تاریخی محله مسجد

با بررسی نمودار و امتیازات کسب شده، مولفه‌های سازنده نما در بافت تاریخی و قدیمی با کسب ۷۴ درصد از امتیازات، دارای مطلوبیت بیشتری نسبت به بافت جدید با ۲۶ درصد امتیاز می‌باشد که بدین صورت زمینه غالب از دید شهروندان از نظر مطلوبیت مورد تایید قرار گرفت. هدف از این مرحله این است که علاوه بر در نظر گرفتن نظر جامعه ذینفع که شهروندان ساکن و عبوری از محله هستند، از نظر متخصصین مربوطه نیز در جهت تکمیل فرآیند طراحی استفاده گردد، تا از بروز خطاهای احتمالی که ممکن است در ادامه رخ دهد، جلوگیری کنیم. زیرا جامعه تحت پرسش، زمینه غالب را انتخاب کرده‌اند و مطلوب بودن و نبودن این زمینه جهت پیشنهاد برای استفاده‌های آتی، اقدام علمی است که بایستی توسط متخصصین مربوطه صورت گیرد. بنابراین در مرحله دوم، با قیاس هر مولفه با ویژگی ذکر شده در جدول توزین فراهم آمده، به هر متغیر امتیازی داده شده است. مرحله سوم: پیچیدگی و درهم تنیدگی مولفه‌های سازنده نما همواره سبب می‌گردد تا در هنگام طراحی نما با مولفه‌های بسیاری روبرو گردیم. بنابراین اولویت‌بندی مولفه‌های موثر کالبد بر مبنای میزان اهمیت‌شان در زمینه موجود، به طراح این امکان را می‌دهد که بتواند دسته‌بندی از طراحی تفصیلی و دقیق تا طراحی کلی‌تر و با جزئیات کم‌تر فراهم آورده و طبق آن عمل نماید. برای این اقدام، در روش اول بنابر جدول توزین بدست آمده به امتیازدهی مولفه‌ها در بافت تاریخی می‌پردازیم و نتیجه با استفاده از مدل HDI مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در روش دوم جهت کسب اطمینان بیشتر از امتیازهای داده شده و نتیجه بدست آمده از مدل HDI، با استفاده از پرسشنامه از متخصصینی که قادر به کمک در ادامه فرآیند می‌باشند، خواسته شده است تا به مولفه‌های نما امتیاز دهند که نتایج در ادامه آورده شده است.

۴-۱- مرحله سوم: روش اول: اولویت‌یابی متغیرهای سازنده نما: مدل HDI

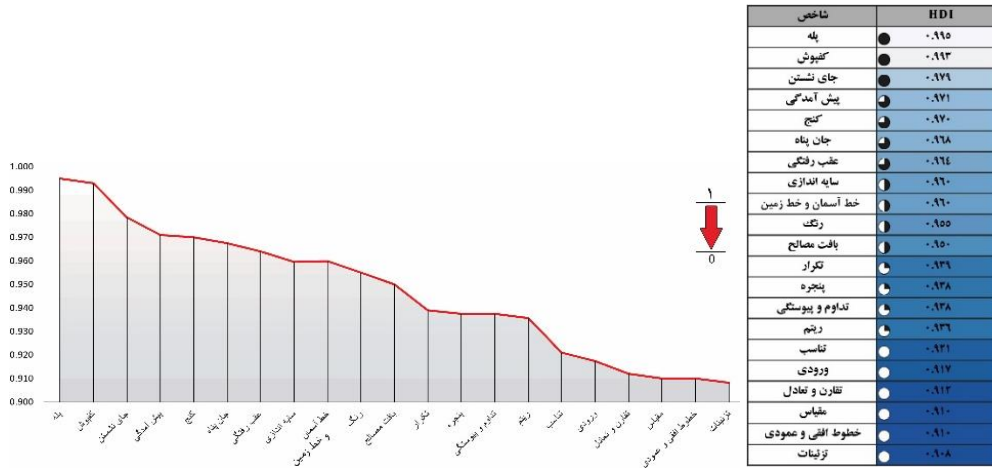
شاخص توسعه انسانی یا HDI^۱: شاخصی ترکیبی است که برای اولین بار برای رده‌بندی کشورها بر اساس سه معیار پایه توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفت. پس از موفقیت این مدل، استفاده از آن در مطالعات آماری که خواستار یافتن اولویت در بین چندین متغیر می‌باشد، رایج گردید. همین امر سبب گردید تا پژوهشگر جهت تصمیم‌گیری برای اولویت‌یابی متغیرهای از پر اهمیت‌تر نسبت به کم اهمیت‌تر از این مدل استفاده کند.

¹ Human Development Index

۴-۱-۱- مراحل مدل HDI

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
$X_i = \frac{\text{Real}(X_i) - \text{Min}(X_i)}{\text{Max}(X_i) - \text{Min}(X_i)}$	$X_j = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n X_{ij}$	$\text{HDI} = (1 - x_i)$

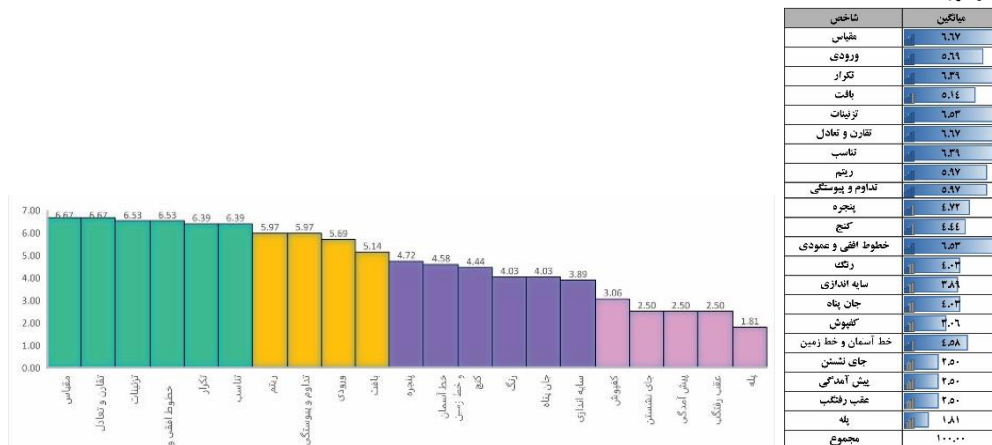
مرحله سوم: محاسبه HDI است که معمولاً مقدار آن بین صفر و یک قرار دارد و مقدار بدست آمده هرچه قدر به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده مطلوبیت بالاتری می‌باشد (بایرانی و طیبیان ۱۳۹۲، ص ۴-۵) که در این پژوهش از روش معکوس استفاده شده است. بدین صورت که هرچه اعداد بدست آمده به صفر نزدیکتر بوده، متغیر دارای اهمیت بیشتری می‌باشد و هرچه اعداد به یک نزدیکتر باشند، به متغیر در زمینه کمتر توجه شده است.



جدول ۶ و نمودار ۸- اولویت‌یابی متغیرهای سازنده جداره در محله مسجد با استفاده از مدل HDI

۴-۲- مرحله سوم: روش دوم- اولویت‌یابی متغیرهای سازنده نما: استفاده از پرسشنامه و میانگین

در این روش مولفه‌های سازنده نما بصورت پرسشنامه در اختیار متخصصین قرار گرفت. جامعه آماری در این پرسشنامه، دانشجویان ارشد معماری، طراحی شهری و دانشجویان کارشناسی مرمت دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول می‌باشد و سعی شده از دانشجویانی که تجربه حضور در بافت تاریخی شهر دزفول بالاخص محله مسجد را داشته، استفاده گردد. همچنین جهت سهولت دانشجویان، تصاویری از بافت تاریخی محله مسجد به پرسشنامه پیوست شد. نتایج امتیازات متخصصین بصورت نمودار و جدول در زیر آورده شده است.



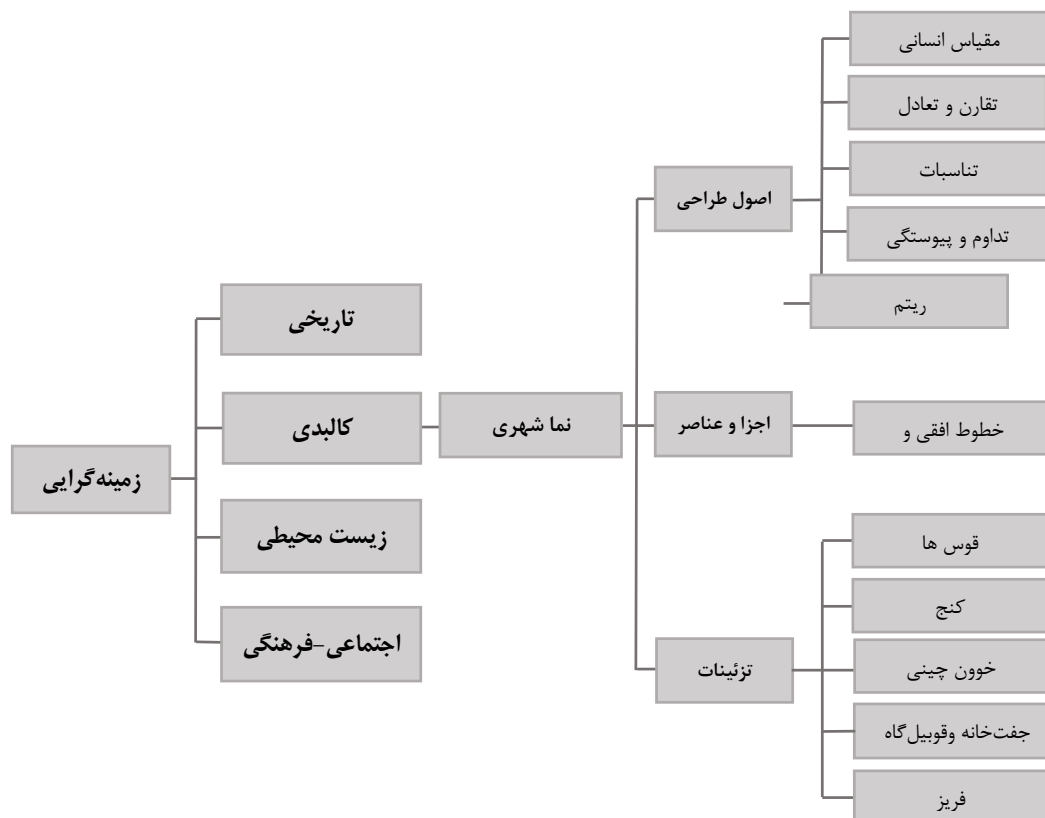
جدول ۷ و نمودار ۹- اولویت‌یابی مولفه‌های موثر نما در بافت تاریخی محله مسجد بر اساس نظر متخصصین که در یک جمع‌بندی بر اساس هر دو روش بیان شده، می‌توان مولفه‌های موثر را در ۴ دسته اولویت‌بندی کرد که به صورت زیر می‌باشد.

جدول ۸- مولفه‌های دسته‌بندی شده سازنده نما بر اساس میزان اهمیت آن‌ها در زمینه تاریخی-قدیمی محله مسجد

اولویت‌های اول	اولویت‌های دوم	اولویت‌های سوم	اولویت‌های چهارم
خطوط افقی و عمودی	ورودی	سایه‌اندازی	پیش‌آمدگی
مقیاس انسانی	اصل تکرار	جان‌پناه	عقب‌رفتگی
تقارن و تعادل	پنجره	کنج	کف‌پوش
تناسبات	خط آسمان و خط زمین	رنگ	جای نشستن
تداوم و پیوستگی	بافت مصالح		پله
تزئینات			
ریتم			

۵- نتیجه‌گیری

تا وقتی که انسان وجود دارد، می‌بیند و درک می‌کند و از طریق درک کردن دنیای پیرامون خود است که می‌تواند زندگی راحت‌تری را برای خود فراهم کند. حال اگر آنچه که می‌بیند، مجموعه‌ای باشد پر از تضاد و تناقض که هر جز آن سبک و ساز خودش را دارد و از کمترین هماهنگی و سازگاری با زمینه‌های موجود و قبل از خود را برخوردار باشد، توسط این مجموعه نابسامان و ناهماهنگ، دچار سردرگمی‌های بصری و در نتیجه آسیب‌های روحی و روانی می‌گردد. از جمله مجموعه‌های کالبدی-بصری که به شدت بر زندگی انسان تاثیر دارد، مناظر بصری شهرهای امروزی‌مان می‌باشد که تحت تاثیر رشد روز افزون نماهای جدید ناسازگار با زمینه معضلات جدی را برای شهروندان فراهم آورده است.



نمودار ۱۰- دسته‌بندی مولفه‌های تاثیر گذار بافت کالبدی در زمینه‌های تاریخی و قدیمی محله مسجد، دزفول

همانطور که در این پژوهش نیز بیان گردید، یکی از راهکارهای موثر در جهت برقراری تداوم و پیوستگی بین عنصر کالبدی جدید و زمینه موجود آن، استفاده از رویکرد زمینه‌گرایی و تاکید بر بعد کالبدی آن می‌باشد که برای برقراری این پیوند با استفاده از این رویکرد بایستی به شناخت عناصر کالبدی موثر در زمینه بپردازیم. اگر بخواهیم شهرها را بر اساس کالبد آن‌ها بصورت یک سلسله مراتب کالبدی دسته‌بندی کنیم، در کوچکترین توده مستقل، به یک تک بنا می‌رسیم که بعد بصری آن بنا، نما نام دارد. در نتیجه نماها به عنوان پایه‌ای‌ترین عنصر کالبدی شهرها شناخته می‌شوند. هر نما نیز دارای مولفه‌هایی است که بر اساس نظریات و

دیدگاه‌های ارائه شده در خصوص نما، بهترین دسته‌بندی شامل سه مولفه اصلی اجزا و عناصر سازنده، اصول طراحی و تزئینات نما می‌باشد. محله مسجد واقع در بافت تاریخی شهر دزفول نیز به دلیل ساخت و سازهای جدیدی که اغلب ناهماهنگ با زمینه موجود در آن صورت گرفته است، رفته رفته درگیر اغتشاشات و ناهنجاری‌های بصری در ساحت کالبدی خود شده است. بنابراین شناخت مولفه‌های کالبدی موثر در زمینه غالب محله مسجد می‌تواند به ما در طراحی نما و جداره‌های هماهنگ با زمینه کمک کند که بر اساس بررسی سه دسته مولفه‌های اصلی و زیر مولفه‌های فرعی سازنده نما، در زمینه منتخب محله مسجد، توانستیم به ۴ دسته اولویت برای مولفه‌های موثر زمینه کالبدی در بافت تاریخی محله مسجد دست یابیم که می‌توانیم از این دسته‌بندی در فرآیندهای طراحی و اجرا در نماهای جدید و ساماندهی نماهای قدیم ناهماهنگ در بافت تاریخی محله مسجد استفاده کرد و با توجه مناسب و کافی به هر دسته بر اساس اولویت بتوانیم به یک طراحی درست و مطلوب دست یابیم.

منابع

۱. احمدی زهرا، (۱۳۸۸)، «زمینه‌گرایی و معماری پایدار»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار
۲. بحرینی سید حسین، (۱۳۸۸)، «تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول
۳. بنتلی یان، و همکاران، (۱۹۹۹)، «محیط‌های پاس‌خده: کتاب راهنمای طراحان»، ترجمه مصطفی بهزادفر، (۱۳۸۲)، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. چاپ اول
۴. پاکزاد جهان‌شاه، (۱۳۸۲)، «پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن»، هنرهای زیبا. شماره ۱۴
۵. پاکزاد جهان‌شاه، (۱۳۹۰)، «راهنمای طراحی فضاهای شهری»، تهران: نشر و بخش ثمین. چاپ پنجم
۶. پورجعفر محمدرضا، بالمعنی مریم علوی (۱۳۹۱)، «ویدئواکولوژی: بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری، تهران»، آرمانشهر
۷. تولایی نوین، (۱۳۸۰)، «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، فصلنامه هنرهای زیبا، ۳۴: ۳۴-۴۳
۸. تولایی نوین، (۱۳۸۶)، «شکل شهر منسجم»، تهران: انتشارات امیرکبیر
۹. توسلی محمود، (۱۳۷۹)، «طراحی شهری خیابان کارگر»، شرکت عمران و بهسازی شهری
۱۰. چیت‌ساز نوید، محسن تابان، (۲۰۱۵)، «تعیین معیارهای زمینه‌گرایی کالبدی در فرآیند طراحی»، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری
۱۱. داندیس دونیس آ، (۱۹۷۴)، «مبادی سواد بصری»، ترجمه مسعود سپهر، (۱۳۸۰)، تهران: انتشارات سروش
۱۲. زالی شقایق، (۱۳۹۴)، «بازآفرینی بافت تاریخی شرق بازار ارومیه با رویکرد زمینه‌گرایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
۱۳. صادقی شیماء، (۱۳۹۵)، «طراحی مسیر پیاده راه شهید نمکی با رویکرد زمینه‌گرایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تبریز
۱۴. طباطبایی ملک، (۱۳۹۰)، «جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در فضای شهری»، تهران: انتشارات آرمانشهر. چاپ اول
۱۵. کسمایی مرتضی، (۱۳۸۲)، «اقلیم و معماری. اصفهان»، انتشارات خاک. ویراست دوم
۱۶. هدمن ریچارد، و یازوسکی، (۱۹۸۵)، «مبانی طراحی شهری»، ترجمه رضازاده راضیه و عباس زادگان مصطفی، (۱۳۸۱)، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۱۷. نویفرت ارنست، (۲۰۱۴)، «اطلاعات معماری نویفرت»، ترجمه مهرانیان کلارا، (۱۳۹۲) تهران: انتشارات امید انقلاب. جلد ۱
18. Alishah, Majid. Abdollah Ebrahimi and Faezeh Ghaffari. The Role of Buildings Facade of Urban Landscape(Case Study: Old Context of Sari). The Turkish Online Journal of Design, Art and Communication
19. Purmosavi. S. Nader. 2019. Mohalla: The Islamic Concept of Urbanism. Jundi- Shapur University
20. Historic Downtown Los Angeles Design Guidines. 2002
21. Krier, Rob.1983. Elements of Architecture. Architectural Design
22. Moughtin, Cliff. 1999. Urban Design: street and Square. Oxford Architecture
23. Tugnutt, Anthony. 1987. Making Townscape. London: Mitvhell
24. Url1: <https://www.arel.ir/fa/News-View-3003.html>- گروه معماران آرل
25. Url2: <https://landscaper.ir/the-position-of-urban-catalysts-in-life-of-socialist-cities.html>- معماری منظر
26. Url3: <https://fa.wikipedia.org>- ویکی‌پدیا